

کوزه‌شناسی سفال عصر آهن پیلایقلعه، رودبار گیلان

دکتر امیرصادق نقشینه*

* استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ابهر

چکیده

پیلایقلعه محوطه ای استقرار از دوره آهن در منطقه رودبار گیلان است که در ۵۰۰ متری گورستان معروف مارلیک قرار دارد. نزدیک به پنجاه سال پیش دکتر نگهبان در این محل کاوش گسترده ای انجام داد. بر اساس اطلاعات محدود منتشر شده، این محل دارای آثاری از عصر آهن، دوره تاریخی و دوره اسلامی است؛ ولی یافته های آن تاکنون منتشر نشده است. بخشی از این یافته ها، مجموعه سفالی حاصل از کاوش ترانشه «M» است که در موزه ملی ایران نگهداری می شود. در این مقاله سفال عصر آهن بدست آمده از این ترانشه معرفی و مطالعه خواهد شد. سفال های این محوطه در زمره سفال عصر آهن I منطقه رودبار بوده و دارای گونه های شاخص مشابهی با محوطه های مهمی چون مارلیک، قلعه کوتی، لمه زمین و لاسولکان است.

واژگان کلیدی: پیلایقلعه، مارلیک، عصر آهن، سفال، گونه شناسی.

درآمد

همزمان با کاوش در مارلیک، مکان های باستانی دیگری نیز در دره گوهررود مورد کاوش قرار گرفته اند همچون زینب بیجار، قشلاق بالا و پایین، علی کرم باغ، گندم زار قشلاق و پیلایقلعه. تمامی این مکان ها گورستان هایی از عصر آهن هستند به استثناء پیلایقلعه که محوطه ای استقرار با بقایا و نشانه هایی از یک قلعه است که فقط در حدود ۵۰۰ متر از مارلیک فاصله دارد. کاوش در اغلب این مکانها محدود به چند گور بوده که یافته های آنها همراه با آثار گورستان مارلیک معرفی شده است (نگهبان، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۲)؛ درحالیکه کاوش در پیلایقلعه گسترده و وسیع بوده اما یافته ها و نتایج آن هرگز معرفی نشده اند. فقط در برخی

گورستان مارلیک از معروفترین و مهمترین گورستان های عصر آهن در ایران است. این گورستان که در منطقه رودبار گیلان و در دره گوهر رود قرار دارد؛ از اوایل پاییز سال ۱۳۴۰ تا اواخر پاییز سال ۱۳۴۱ به سرپرستی دکتر عزت الله نگهبان مورد کاوش قرار گرفت. در این کاوش تعداد ۵۳ گور متعلق به عصر آهن کاویده شد و از آنها اشیاء گوناگون و پرتعدادی بدست آمد که در مقاله ها و کتب مختلفی معرفی و تجزیه و تحلیل شده اند.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نگارنده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر با

عنوان «مطالعه و طبقه بندی سفال پیلایقلعه (ج ۱ و ۲)» است.

Email Address: amir.naghshineh@yahoo.com

زمانی که کاوش در بخش عمده ای از مارلیک به اتمام رسید؛ کاوش در پیلقلعه شروع شد و هدف از آن لایه نگاری یک محوطه استقرار در منطقه و مطالعه ارتباط آن با گورستان مارلیک بود. پیلقلعه تپه ای مخروطی شکل بوده که نیمی از آن طبیعی و نیمی دیگر مصنوعی است. در کاوش این محل بقایای بالاترین طبقه استقرار که مربوط به قلعه ای از اواخر دوره ساسانی تا اوایل دوره اسلامی است؛ کاویده شد و همچنین ترانسه M بر روی شیب غربی تپه از بالا تا پایین با هدف لایه نگاری کاوش گردید (Negahban, 1964: 18). اما برخلاف مارلیک نتایج و یافته های کاوش پیلقلعه منتشر نشده و فقط در برخی منابع به لایه ها و بقایای دوره های مختلف در این تپه اشاره شده است. نگهبان به وجود ۱۷ لایه (Level) و سه مرحله ساختمانی اصلی (Main Construction Level) در پیلقلعه اشاره می کند و احتمال می دهد که به دلیل مواد و تیرهای سوخته بدست آمده، هر یک از این لایه های ساختمانی عمده در اثر آتش سوزی ویران شده باشند. وی لایه های یک تا هفت را دربر دارنده موادی قدیم تر از مارلیک و لایه های هشت تا سیزده را حاوی موادی همزمان با مارلیک معرفی می کند و قدیم ترین لایه قلعه (یعنی همان لایه ساختمانی اصلی) را ایجاد شده در لایه هشت می داند که توسط مردمان مارلیک ساخته شده است. آغاز دومین ساختمان اصلی در لایه سیزده و شروع سومین و آخرین ساختمان اصلی نیز در لایه ۱۶ است (Negahban, 1964: 18).

بعدها نگهبان لایه های هفده گانه کاوش شده در پیلقلعه را چنین معرفی و تاریخگذاری می کند: لایه یک تا هفت با تاریخ اوایل هزاره دوم تا اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، لایه هشت تا سیزده با تاریخ اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد که همزمان با گورستان مارلیک است؛ لایه ۱۴ و ۱۵ مابین تمدن مارلیک و ساسانی که طبقه دوم معماری مربوط به این لایه هاست؛ لایه شانزده آخرین طبقه معماری بر روی تپه را شامل می شود که قلعه ای مربوط به دوره ساسانی با قدمت قرن دوم تا ششم میلادی است و لایه هفده که قلعه ساسانی در دوره اسلامی تعمیر گردیده و مورد استفاده قرار گرفته و بر اساس قطعات سفالی تا حدود قرن پنجم ه. ق. (یازده میلادی) ادامه

گزارش ها و مقاله ها که عمدتاً مربوط به نتایج کاوش های مارلیک هستند؛ اطلاعاتی محدود از این کاوش و آثار مکشوفه از آن ارائه شده است (Negahban, 1964: 18).

در حال حاضر بخشی از سفال های حاصل از کاوش پیل-قلعه در بخش سفال موزه ملی ایران نگهداری می شوند. بر اساس برچسب ها و نوشته های روی کیسه های نگهداری این سفال ها که مربوط به زمان کاوش هستند؛ این مجموعه سفالی از ترانسه ای موسوم به "ترانسه M" بدست آمده اند. این ترانسه همان ترانسه پلکانی است که در غرب تپه جهت لایه نگاری کاوش شده بود (Negahban, 1964: 18). در ادامه به مطالعه یافته های سفالی پیلقلعه پرداخته می شود.

کاوش در مارلیک و پیلقلعه

مارلیک و پیلقلعه در دره ای به نام گوهررود واقع در ۱۴ کیلومتری شمال شرقی رودبار قرار داشته و فقط نیم کیلومتر از یکدیگر فاصله دارند. کاوش در این دو محل به سرپرستی دکتر عزت الله نگهبان و در سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ انجام گرفت. در واقع طی بررسی منطقه رحمت آباد رودبار در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) ترانسه ای آزمایشی در تپه مارلیک حفر شد که اشیاء جالبی از آن بدست آمد و این کشف منجر به توقف بررسی و شروع کاوش در مارلیک گردید (نگهبان، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۶؛ Negahban, 1964: 13). کاوش در مارلیک به مدت ۱۴ ماه و به شکلی پیوسته انجام می گیرد که در نتیجه تعداد ۵۳ گور مشخص می گردد. نگهبان گورهای مارلیک را به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد تاریخگذاری کرد و معتقد بود که استفاده از این گورستان و گورهای آن به مدت دو قرن طول کشیده است (Negahban, 1964: 18). گورهای مارلیک در زمره غنی ترین گورهای کاوش شده عصر آهن در ایران هستند که اشیاء پرتعداد و گوناگونی از آنها بدست آمده است. این اشیاء شامل جامهای مختلف فلزی، سلاحهای گوناگون، پیکرکها، ریتونهای مختلف، مهرهای استوانه ای و استامپی، زیورآلات متنوع و ظروف سفالین هستند که در مقالات و کتب متعددی معرفی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند (به طور مثال: نگهبان، ۱۳۶۸؛ و Negahban, 1979).

داشته است (نگهبان، ۱۳۷۸: ۵۲).

چنانکه پیداست در این لایه نگاری و گاهنگاری جدید موقعیت و تاریخ اولین طبقه معماری در پیلقلعه معلوم نیست که بنابر اطلاعات منتشر شده اولیه (Negahban, 1964: 18) همزمان با مارلیک یعنی اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد و مربوط به لایه هشت بوده است.

تمامی اطلاعات منتشر شده درباره کاوش پیلقلعه محدود به همین مطالب است اما خوشبختانه بخش عمده ای از سفالهای ترانسه M پیلقلعه موجود بوده و در بخش سفال موزه ملی ایران نگهداری می شود. اهمیت این مجموعه سفالی در این است که از ترانسه ای لایه نگاری بدست آمده است و می تواند معرف بقایای سفال دوره های مختلف استقرار در این محل باشد.

در ادامه بخشی از این مجموعه سفالی را که مربوط به عصر آهن است با سفال مارلیک مقایسه می شود و از این طریق به مطالعه شباهت ها و تفاوت های سفال عصر آهن در یک محوطه استقرار و گورستان نزدیک به آن پرداخته می شود.

مجموعه سفالی پیلقلعه در موزه ملی ایران

از مجموع ترانسه های کاوش شده در پیلقلعه، تنها سفالهای ترانسه M در موزه ملی ایران نگهداری می شوند. همانگونه که اشاره شد این ترانسه در قسمت غربی پیلقلعه و به صورت پلکانی کاوش شده تا لایه نگاری این محل و تعیین توالی فرهنگی در آن ممکن گردد. در حال حاضر تنها سفالهای طبقات I تا XII در موزه ملی موجودند و سفال طبقات XIII تا XVII در دست نیستند. بخش عمده این تکه سفالها در طبقات مختلف از انواع سفالهای عصر آهن گیلان هستند؛ هرچند که تکه سفالهایی با مشخصات سفالهای دوره تاریخی (عمدتاً اشکانی) منطقه نیز در میان آنها دیده می شود اما مقدار آنها کمتر از انواع عصر آهن است. این وضعیت در طبقات پایین شدیدتر است و هرچه به طبقات بالاتر می رسیم مقدار سفال عصر آهن کمتر و سفال اشکانی بیشتر می شود. با این وجود در طبقات بالایی نیز اکثریت تکه سفالها مربوط به عصر آهن هستند. البته در مواردی امکان انتساب برخی از تکه سفالها به یکی از این دو دوره مشکل است؛ خصوصاً نمونه هایی که

بخشی از بدنه ظرف هستند و یا مشخصات خاصی دربر ندارند. از همین رو نمی توان تعداد و درصد دقیق هر یک از انواع سفالهای عصر آهن و دوره تاریخی را در هر طبقه مشخص کرد. ولی در هر حال می توان تشخیص داد که به تدریج از طبقات پایین به بالا مقدار سفال عصر آهن کاهش یافته و به وضوح سفال تاریخی افزایش می یابد. از سوی دیگر تعداد کل تکه سفال ها نیز به تدریج کاهش می یابد. این تغییر کاملاً با ترتیب قرارگیری طبقات مطابقت دارد. در ضمن در تمامی طبقات این دو نوع سفال در کنار هم دیده می شوند که موضوع عجیبی به نظر می رسد؛ ولی احتمالاً دلیل آن پلکانی بودن ترانسه M است که در شیب تپه کاوش شده و احتمالاً فرسایش و فروریختن بقایای طبقات بالایی به طبقات پایین در محل شیب تپه ها زیاد است.

انواع سفال عصر آهن در پیلقلعه

سفال عصر آهن پیلقلعه را می توان به صورت زیر طبقه بندی نمود:

۱- سفال خاکستری

این نوع سفال دارای رنگ خاکستری بسیار تیره تا خاکستری روشن است. اغلب رنگ سطح سفال یکنواخت و یکسان نیست به طوری که در برخی قسمتها تیره تر و در برخی قسمتها روشن تر است. احتمالاً این وضعیت در اثر شرایط ناهمگون پخت بوجود آمده است. مغز سفال در این نوع عمدتاً خاکستری است ولی گاهی خاکستری مایل به قهوه ای تا قرمز نیز دیده می شود. تمپر به کار رفته در این نوع سفال معمولاً شن و عمدتاً ریز است؛ ولی در مواردی نیز از خرده سفال استفاده شده که بیشتر آنها به رنگ خاکستری روشن هستند.

تمامی سفالهای خاکستری در پیلقلعه دست سازند یا با استفاده از چرخ کند ساخته شده اند. استفاده از صیقل در این نوع سفال بسیار معمول است و اکثریت سفالهای خاکستری در سطح داخلی یا خارجی یا در دو طرف صیقلی شده اند. در موارد زیادی کیفیت این پرداخت به گونه ای است که سطحی کاملاً صاف و براق بوجود آمده و سطح سفال کاملاً می درخشد.

دست سازند و تمپر شدن ریز تا درشت دارند. این نوع سفال عمدتاً ساده و بدون صیقل بوده و اکثر نمونه های آن خشن است.

۶- سفال قرمز - خاکستری

این نوع سفال به رنگ قرمز و خاکستری در قسمتهای مختلف است؛ به طوریکه گاهی رنگ غالب خاکستری و گاهی قرمز و یا یک طرف به رنگ قرمز و طرف دیگر به رنگ خاکستری است. این تغییر در رنگ سطح سفال ناشی از شرایط ناهمگون پخت است و به نظر نمی رسد که عمدی در ایجاد آن توسط سفالگر وجود داشته است. این نوع سفال نیز تماماً دست ساز و دارای تمپر ریز تا نرم است که گاهی ذرات سفیدرنگ آهکی نیز در آن دیده می شود. بر اساس اندازه تمپر و میزان ضخامت ظروف، می توان این نوع را به دو گروه ظریف و معمولی تقسیم کرد. به طور کلی این نوع سفال شباهت زیادی به سفال قرمز و سفال خاکستری دارد و تفاوت عمده آنها رنگ غیریکنواخت این نوع سفال است.

۷- سفال بدنه نازک

ویژگی اصلی این نوع بدنه نازک آن با ضخامتی در حدود کمتر از ۵ میلی متر بوده که ظرافت خاصی به آن بخشیده است. تمپر این نوع بسیار نرم و ظریف بوده و در اغلب موارد با چشم قابل مشاهده نیست. رنگ این نوع از سفالها از خاکستری تا قرمز متفاوت است و به نظر می رسد که عمدتاً دست سازند. پرداخت سطح اغلب صیقلی است ولی بعضاً طرحهای ساده داغدار نیز بر روی نمونه ها به چشم می خورد. پخت این سفالها خوب بوده و به طور کلی سفالی خوش ساخت و ظریفی است.

۸- سفال با اسلیپ اخراپی

رنگ خمیره این سفال عمدتاً قرمز است اما ویژگی اصلی آن استفاده از اسلیپ قرمز اخراپی بر روی آن است. این اسلیپ غالباً در یک طرف طرف دیده می شود و طرف دیگر اغلب رنگی تیره در طیف رنگ خاکستری تا سیاه دارد. البته برخی نمونه ها در دو طرف دارای اسلیپ اخراپی هستند. به نظر می رسد که

استفاده از طرحهای ساده داغدار نیز در موارد معدودی دیده می شود. متداول ترین طرح داغدار خطوط متقاطع است. ایجاد طرح + (به علاوه) یا X (ضربدر) در کف ظروف این نوع به شیوه داغدار کردن نیز اغلب دیده می شود. در موارد بسیار نادری طرح های ساده کنده نیز جهت تزئین ظروف خاکستری به کار رفته است. این نوع سفال پرتعدادترین نوع سفال در میان انواع سفال عصر آهن پیلاقلعه است.

۲- سفال سیاه

سفال سیاه شباهت زیادی به نوع خاکستری دارد به طوریکه پخت، تمپر و شکل ظروف در آنها یکسان بوده و تنها تفاوت میان آنها رنگ بسیار تیره و کاملاً سیاه و سطح داخل، خارج و مغز نمونه های این نوع سفال سیاه رنگ است. همچنین به نظر می رسد صیقل کردن در این نوع معمول تر و باکیفیت بیشتری همراه است به گونه ای که اغلب نمونه های سفال سیاه سطحی کاملاً براق دارند. از این رو شاید بتوان سفال سیاه را زیرگروهی از سفال خاکستری در نظر گرفت. مقدار و فراوانی این سفال نسبتاً کم است.

۳- سفال قرمز ساده

این سفال قرمز رنگ بوده و مغز آن نیز عمدتاً به همان رنگ است. تمپر به کار رفته در آن ریز و گاهی درشت و بعضاً ذرات آهک و خرده سفال است. سطح ظروف این نوع مات و بدون صیقل بوده و ظروف این گروه اغلب شامل خمیره و ظروف نسبتاً بزرگ است. تمامی نمونه های این گروه دست سازند.

۴- سفال قرمز

در این نوع سفال نیز رنگ غالب قرمز است. پخت این نمونه ها خوب و تراکم خمیره زیاد است. تمپر آنها ریز و نرم است و همگی دست سازند. سطح ظروف در موارد زیادی صیقل شده ولی کیفیت آنها چندان مطلوب نبوده و به برآقی نمونه های خاکستری نیست.

۵- سفال قرمز دودزده

رنگ این سفال از قرمز تا قرمز مایل به قهوه ای متغیر است و لکه های کوچک و بزرگ دودزده دارد. تمامی ظروف این نوع

موارد خرده سفال بوده و هیچگاه از مواد گیاهی برای تمپر استفاده نشده است. پخت سفالها با هم متفاوت است به طوریکه برخی در شرایطی یکنواخت و کاملاً کنترل شده پخته شده اند و بافت و رنگ سفال یکنواخت است ولی اغلب چنین نبوده و به نظر می رسد کنترل دقیقی در پخت بیشتر سفالها اعمال نمی شده. استفاده از صیقل و داغدار کردن در سطح انواع سفالها بسیار معمول بوده و بیشتر ظروف سطحی صیقلی یا داغدار شده دارند هرچند که کیفیت و شدت آن در موارد مختلف متفاوت است. در مواردی نیز از طرح های ساده داغدار برای تزئین استفاده شده که چندان فراوان نیست.

از دیگر محوطه های عصر آهن منطقه نیز سفالهایی گزارش شده است که می توان آنها را قابل مقایسه با سفال پیلاقعه دانست. در این میان نزدیک ترین محوطه به پیلاقعه، گورستان مارلیک است که به واسطه همین نزدیکی باید توجه خاصی به آن داشت و مطالعه تطبیقی سفال این دو محل نزدیک و همزمان که یکی گورستان و دیگری محوطه ای استقرار است؛ از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ولی متأسفانه از ویژگیهای فنی و انواع سفالهای مارلیک اطلاعات چندان زیادی منتشر نشده و این در حالی است که به گونه شناسی و شکل ظروف سفالی توجه کافی شده و گونه ها و زیرگونه های مختلفی مشخص، تعریف و مقایسه شده است.

در هر حال می دانیم که در مارلیک سفالها به سه رنگ قرمز، قهوه ای و خاکستری هستند که هر یک خود تنوعی را در رنگ نشان می دهند. تمپر آنها ظریف است و از پختی خوب و یکنواخت برخوردارند. این سفالها را صیقلی یا داغدار می کردند و برخی نیز طرح های داغدار دارند (Negahban, 1964: 16; Negahban, 1996: 219).

همانگونه پیداست از نظر رنگ سفالها میان پیلاقعه و مارلیک مشابهت زیادی وجود دارد. همچنین صیقلی و داغدار کردن نیز در هر دو محل مرسوم بوده است؛ ولی از نظر پخت تفاوتهایی دیده می شود. احتمالاً ظروف مارلیک از پخت بهتر، کاملتر و یکنواخت تری برخوردار بوده اند. همچنین ظاهراً تمپر ظروف مارلیک ظریف تر از پیلاقعه بوده است. از همین رو در مقایسه ای کلی و البته نه چندان دقیق به نظر می آید سفال این

استفاده از اسلیپ در ظروف ظریف بیشتر در سطح داخلی و در ظروف معمولی بیشتر در سطح خارجی است اما به واسطه تعداد کم این نوع، اظهار نظر دقیق در حال حاضر امکان پذیر نیست. تمپر این گونه شن نرم و یاریز است و تمامی نمونه ها ظاهراً دست سازند. سطح اکثر نمونه ها خصوصاً در قسمت خارجی ظرف صیقلی است.

۹- سفال قهوه ای

رنگ این سفالها قهوه ای تا قهوه ای مایل به قرمز است و شباهت زیادی به سفال های قرمز دارند. تمپر آنها شن نرم تا ریز و سطح آنها صیقلی است و همگی دست سازند. این گونه در زمره انواع کم تعداد سفال عصر آهن پیلاقعه به شمار می آید.

همانگونه که دیده شد سفال عصر آهن پیلاقعه در ۹ نوع مختلف طبقه بندی می شود که البته بین برخی از گونه ها شباهت های زیادی وجود دارد. شباهت سفال خاکستری و سفال سیاه زیاد است به طوری که تنها تفاوت آنها در رنگ و تا حدودی صیقل آنهاست که در نوع سیاه شدیدتر است. انواع سفالهای قرمز، قرمز - خاکستری و تا حدودی قرمز دودزده و قهوه ای نیز شباهت زیادی به یکدیگر داشته و تفاوت آنها عمدتاً در پخت، شرایط پخت و تأثیر آن بر ظروف است که در طیفی از قرمز، قرمز مایل به خاکستری و قهوه ای مایل به قرمز تغییر می کند. البته به نظر می رسد که فراوانی برخی از ظروف (نظیر بشقاب های لبه بلند؟) در نوع قرمز دودزده نسبت به انواع دیگر بیشتر است.

در این میان شاخص ترین و متمایزترین نوع سفالها، سفال بدنه نازک است که از نظر ظرافت، تمپر، ساختار و سطح صیقلی با بقیه انواع متفاوت است. همچنین نوع دارای اسلیپ اخراپی نیز هرچند که بسیار کم تعداد است؛ ولی کاملاً نسبت به دیگر انواع تفاوت دارد.

به طور کلی سفال عصر آهن پیلاقعه، سفالی دست ساز است که در ساخت هیچ یک از انواع آنها از چرخ تند سفالگری استفاده نشده است. اگرچه استفاده از روش چرخ کند یا صفحه دوار معمول بوده است. تمپر آنها عموماً مواد معدنی و در برخی

۱- کاسه زاویه دار

این گونه به شکل کاسه های عمیقی است که زاویه ای نزدیک به لبه دارند و در نتیجه دهانه ظرف کمی به سمت داخل متمایل می گردد. گاهی دسته حلقه ای کوچکی در زیر لبه دارند و در مواردی نیز فاقد دسته اند. اندازه آنها متفاوت است و در اندازه های بزرگ و کوچک دیده می شوند. این گونه کاسه در زمره پرتعدادترین ظروف عصر آهن در پیلاقلعه است و در انواع سفالهای خاکستری، قرمز، سیاه، قرمز - خاکستری و سفال با اسلیپ اخراپی دیده می شود.

نمونه های مشابه متعددی از این گونه کاسه در دیگر محوطه های عصر آهن منطقه بدست آمده است. از لاسولکان و گورهای مختلف قلعه کوتی (به طور مثال: Egami *et al.*, 1965: pl. LXXXIX: (a) 5, pl. LXIV: 21 & 22, pl. XLIII: 19 & 20; Fukai & Ikeda, 1971: pl. LVII: 3, Fukai (pl. LIX: 2, 5 & 8, pl. XLVIII: 2 & Matsutani, 1980: pl. 10: 2 & 3, pl. 11: 10 & 12; Fukai & Matsutani, 1982: pl. 57: 5). این نمونه ها برخی بدون دسته و برخی دیگر دارای یک یا دو دسته هستند. البته عجیب این است که از گورستان مارلیک نزدیکترین محوطه نسبت به پیلاقلعه، هیچ نمونه ای از این گونه کاسه بدست نیامده است (طرح ۱ و طرح رنگی ۱: شماره های ۱، ۲ و ۳).

۲- کاسه ساده

این گونه به شکل کاسه عمیقی است که دهانه ای باز و لبه ای معمولاً ساده دارند. بدنه آنها تقریباً صاف و یا کمی محدب است و گاهی بر روی بدنه دسته حلقه ای ساده دارند. محل دسته ها متفاوت بوده و از زیر لبه تا پایین بدنه متغیر است. این گونه کاسه نیز پرتعداد است و در انواع سفالهای خاکستری، سیاه، قرمز، قرمز - خاکستری و به تعداد کم قرمز دودزده دیده می شود. نمونه های مشابه متعدد از این گونه کاسه در محوطه های دیگر عصر آهن منطقه بدست آمده است. از لاسولکان و گورهای مختلف قلعه کوتی (Egami *et al.*, 1965: pl. LXXXIX: (a) 4, pl. LXXIX: 203, pl. XLVII: 6, pl. LXXXI: 7 Fukai & Ikeda, 1971: pl. LVII: 21, لمه زمین Fukai & Matsutani, 1980: pl. 10: 4, pl. 11: 8;) Fukai & Matsutani, 1982: pl. 57: 1 مارلیک

دو محل شباهت زیادی با یکدیگر دارند ولی در مارلیک انواع و گونه هایی ظریف تر معمول بوده است.

از کاوشهای متعدد باستان شناسان ژاپنی در منطقه دیلمان گیلان نیز سفالهای بسیاری بدست آمده و معرفی شده است که بر این اساس هرینک و ویژگیهای سفال عصر آهن I را در گیلان چنین بیان می کند: اغلب صیقل شده و برخی مات، بدون نقش و به ندرت دارای طرحهای داغدار و به رنگهای قهوه ای مایل به قرمز، قهوه ای تیره و سیاه و برخی ظروف بسیار نازک به رنگ خاکستری روشن، نخودی یا مایل به قهوه ای هستند (Haerink, 1988: 67). همچنین در کاوش گورستان جمشیدآباد رودبار، سفالهایی عمدتاً دست ساز به رنگهای قرمز، خاکستری و قهوه ای یا قرمز مایل به قهوه ای بدست آمده اند که از این لحاظ با سفال عصر آهن پیلاقلعه قابل مقایسه هستند (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۲۲۱).

در اینجا لازم به ذکر است که محققین سفال عصر آهن گیلان عموماً توجه چندانی به ویژگیهای فنی سفال نداشته اند و کمتر به مطالعه، توصیف و معرفی انواع سفالهای این دوره بر اساس ویژگیهای فنی آنها پرداخته اند. در عوض عمده توجه به شکل و گونه های مختلف ظروف بوده و عموماً سفالهای این دوره بر اساس شکل گونه شناسی شده اند. از همین رو امکان مقایسه ای دقیق میان انواع سفال عصر آهن پیلاقلعه با سفال دیگر محوطه های همزمان در منطقه کمتر وجود دارد. این در حالی است که مدارک منتشر شده مفید و متعددی برای گونه شناسی تطبیقی آنها در دسترس است.

گونه شناسی ظروف سفالین عصر آهن در پیلاقلعه

سفال عصر آهن در پیلاقلعه از اشکال متنوعی برخوردار است و شامل اشکال مختلف کوچک و بزرگ می شود. برخی از این اشکال پرتعدادترند و در میان انواع سفال این دوره مرسوم بوده اند. در حالی که برخی دیگر چندان پرتعداد نیستند و تعداد کمتری از آنها دیده می شود. البته از آنجا که نمونه سفال پیلاقلعه تماماً شامل تکه سفال است؛ نمی توان تمام گونه های شکلی آنها را تشخیص داد. ولی با این حال مهمترین و مشخص ترین اشکال آن را می توان به گونه های زیر طبقه بندی کرد.

جمشیدآباد (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۲۳۰، شماره ۱۲ و ۲۳۶، تصویر ۹).

۵- سوی بدنه گرد با لبه به خارج برگشته

این گونه دارای بدنه گرد و محدب است و معمولاً کروی و گاهی کشیده و تقریباً بیضوی است. دهانه ظرف نه چندان باز و نه چندان بسته است و لبه کوتاه به خارج برگشته ای دارد. اغلب نمونه ها بی دسته اند ولی برخی نیز یک دسته حلقه ای عمودی بر روی لبه دارند. این گونه بیشتر در انواع سفال خاکستری تیره، قرمز - خاکستری و قرمز دیده می شود؛ ولی به تعداد کم در انواع خاکستری روشن و سیاه نیز وجود دارد. اغلب نمونه ها از انواع ظریف هستند. از این گونه در منطقه رودبار نمونه های زیادی بدست آمده و در پیلقلعه نسبتاً فراوان است. از قلعه کوتی و لاسولکان (Egami *et al.*, 1965: pl. XLV: 5, pl. LXIII: 29-34, pl. LXIV: 25, pl. LXXXI: 23, pl. LXXXIX: (a) 3; Fukai & Ikeda, 1971: pl. XLVIII: Fukai & Matsutani, 1980: (1, pl. LV: 1 pl. 10: 4, pl. 11: 3; Fukai & Matsutani, 1982: pl. Negahban, 1996: Fig. 23 (57: 4, pl. 59: 3 & pl. 104: 562) و جمشیدآباد (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۲۳۰، شماره ۱۴). نمونه های بدست آمده از این محوطه ها نیز برخی دسته دار و برخی بی دسته اند و کف تمامی آنها گرد و محدب است و در نمونه های پیلقلعه نیز می بایست چنین بوده باشد (طرح ۱ و طرح رنگی ۱: شماره های ۱۲، ۱۳ و ۱۴).

۶- کوزه

از آنجایی که هیچ ظرف سفالی کاملی از پیلقلعه در دست نیست؛ شکل کامل و جزئیات شکل بسیاری از گونه ها قابل تشخیص نیست. از جمله کوزه ها که شکل بدنه آنها مشخص نیست و تنها از روی قطعات مربوط به لبه و دهانه می توان به وجود این شکل از ظروف در سفال پیلقلعه پی برد. این گونه دهانه ای بسته، لبه ای بلند و کمی به خارج برگشته دارند. اغلب دسته ای حلقه ای نیز در محل لبه تا شانه ظرف وجود دارد. این گونه معمولاً در انواع خاکستری تیره، قرمز و قرمز خاکستری دیده می شوند و به ندرت نمونه هایی از انواع سفال خاکستری روشن و سیاه هم در بین آنها وجود دارد. کوزه های با دهانه مشابه نمونه

(Negahban, 1996: Fig. 27 & pl. 112: 600 & 601) و جمشیدآباد (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۲۴۰، شماره ۱۱). این نمونه ها همگی یک یا دو دسته حلقه ای روی بدنه دارند (طرح ۱ و طرح رنگی ۱: شماره های ۴ و ۵).

۳- کاسه با لبه کمی به داخل برگشته

این گونه به شکل کاسه عمیقی است که لبه آن کمی به سمت داخل برگشته و انحنا یا زاویه ای درست در زیر لبه دارد. گاهی نیز فقط زاویه ای در زیر لبه وجود دارد و لبه صاف است. بدنه آن صاف و تقریباً بدون انحناست. هیچ یک از نمونه های این گونه کاسه دارای دسته نیستند و عمدتاً اندازه بزرگی دارند. این گونه کاسه در انواع سفالهای خاکستری، قرمز، قرمز - خاکستری، سیاه و قرمز دودزده دیده می شود. از این گونه کاسه نمونه های زیادی در منطقه بدست نیامده است و در پیلقلعه نیز پرتعداد نیست. از قلعه کوتی (Fukai & Ikeda, 1971: pl. LV: 4) و جمشیدآباد (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۲۳۰، شماره ۱۵ و ۲۳۶، تصویر ۶). (طرح ۱ و طرح رنگی ۱: شماره های ۶ و ۷).

۴- بشقاب با قسمت مرکزی گود

این گونه به شکل ظروف دهانه باز با قسمت کوچکی در مرکز است که عمق بیشتری دارد؛ به طوریکه دهانه ظرف شبیه بشقاب و قسمت کوچک مرکزی آن به شکل یک کاسه کوچک است. در بالای این قسمت کاسه شکل، لبه یا برآمدگی ای وجود دارد که آن را از لبه بشقابی شکل ظرف جدا می کند. بر روی این برآمدگی معمولاً به فواصل مشخص فرورفتگی هایی دیده می شود که احتمالاً تعداد آنها سه یا چهار عدد است. این گونه بیشتر از نوع سفال قرمز دودزده و قرمز - خاکستری است ولی به تعداد در سفال نوع خاکستری نیز دیده می شود (طرح ۱ و طرح رنگی ۱: شماره های ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱). این گونه با شکل خاص خود فقط در منطقه رودبار دیده می شود و تا کنون هیچ نمونه مشابه یا قابل مقایسه ای خارج از این منطقه گزارش نشده است. از قلعه کوتی (Egami *et al.*, 1965: pl. LII: 25, pl. LXII: 19, pl. LXXXIX: 208, pl. LXXXI: 19 Negahban, 1996: Fig. 29 & pl. 114: 618 - 622) و

صاف و عمودی هستند که دسته ای حلقه ای و اغلب کاملاً گرد در روی لبه دارند. تعداد این گونه کم است و در انواع سفال خاکستری تیره، قرمز و قرمز دودزده دیده می شود و معمولاً جزو سفالهای ظریف هستند. نظیر این فنجانها در منطقه از محوطه های مختلفی بدست آمده ولی همچون پیلقلعه در این محوه ها نیز تعداد آنها کم است مانند: قلعه کوتی (Egami *et al.*, 1965: pl. LIII: 28; Fukai & Ikeda, 1971: pl. Negahban, 1996: Fig. 23 & pl. LI: 14)، مارلیک (LI: 14)، که دسته ای کشیده، بزرگ و بیضوی دارد و (107: 555) جمشیدآباد (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۲۳۶، تصویر ۱۰). علاوه بر این از محوطه هایی خارج از منطقه رودبار نیز نمونه های مشابهی از این نوع فنجانها بدست آمده اند مانند: قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: تصویر ۱۱۰، شماره های ۱۸۵۵، ۱۹۲۶ و ۲۰۲۳ و صفحه ۹۱، شماره های ۴۳۲، ۹۶۶، ۹۹۵، ۱۸۵۵ و ۲۰۲۲) و خورویین که البته دسته آن کمی در زیر لبه قرار دارد (Vanden Berghe, 1964: Planche XI: 59,62) و سیلک B که دسته ای تقریباً بیضی شکل و بزرگ دارد (Ghirshman, 1939: pl. XX, 1). (طرح ۲ و طرح رنگی ۲: شماره های ۲۱، ۲۲ و ۲۳).

۹- تنگ یا کوه های کوچک با گردن کوتاه و یک دسته

این گونه به شکل ظروف دهانه تنگ است که گردنی کوتاه با دسته حلقه ای عمودی در محل گردن دارند. بدنه آنها کشیده و استوانه ای است. البته نمونه های پیلقلعه شکسته و ناقص اند و فقط از روی قطعات مربوط به قسمت گردن و دهانه قابل تشخیص هستند. این گونه کم تعداد بوده و عموماً در میان انواع سفال خاکستری و خاکستری - قرمز دیده می شود. در منطقه رودبار از محوطه های مختلفی ظروف مشابهی بدست آمده که با توجه به گردن و دسته قابل مقایسه با نمونه های پیلقلعه هستند مانند: قلعه کوتی (Egami *et al.*, 1965: pl. LXII: 18, pl. LIII: 26 & 27; Fukai & Ikeda, 1971: pl. LI: 12)، لسه زمین (Fukai & Matsutani, 1980: pl. 11: 9 & 11; Fukai & Matsutani, 1982: pl. 57: 2, pl. Negahban, 1996: Fig. 22 & pl. 106: 59: 5)، مارلیک (Negahban, 1996: Fig. 22 & pl. 106: 59: 5) و جمشیدآباد (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۲۳۲، طرح بالا سمت

های پیلقلعه از محوطه هایی در منطقه بدست آمده اند مانند: قلعه کوتی (Egami *et al.*, 1965: pl. LIX: 2; Fukai & Ikeda, 1971: pl. LI: 15, pl. LIV: 6, pl. LVII: 2)، مارلیک (Negahban, 1996: Fig. 20: 525 & 526, Fig. 21: 530) و جمشیدآباد (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۲۳۰، شماره ۹ و ۲۳۶، تصویر ۵). البته امکان مقایسه کامل میان این نمونه ها با نمونه های پیلقلعه وجود ندارد چراکه در پیلقلعه هیچ نمونه کاملی که شکل بدنه و کف آن مشخص باشد؛ بدست نیامده و فقط به واسطه شکل کلی لبه، دهانه و بعضاً دسته این مقایسات صورت گرفته است. باید توجه داشت که این شکل از کوزه ها، از جمله ظروف متداول در عصر آهن هستند که در محوطه های مختلف این دوره در مناطق مختلف و با شکل کلی تقریباً یکسانی وجود داشته اند. (طرح ۱ و طرح رنگی ۱: شماره ۱۵ و طرح ۲ و طرح رنگی ۲: شماره های ۱۶ و ۱۷).

۷- خمیره

شکل کامل خمیره ها نیز کاملاً کاملاً مشخص نیست و فقط شکل لبه آنها را می توان مشخص نمود. لبه این گونه از ظروف معمولاً ضخیم، کوتاه و به خارج برگشته است. برخی نمونه ها با لبه ساده یا بدون لبه نیز وجود دارند. این گونه در سفال نوع قرمز و گاهی قرمز دودزده دیده می شود و از آنجایی که اندازه ای بزرگ دارند؛ در زمره سفالهای خشن به شمار می روند. در هیچ یک از محوطه های عصر آهن منطقه، نمونه ای از این گونه ظروف بدست نیامده است و تنها در پیلقلعه قطعاتی از این خمیره های بزرگ دیده می شود که بازسازی آنها تنها بر اساس قطعات لبه و دهانه است. به نظر می آید که عدم یافت شدن این گونه در محوطه های دیگر منطقه ناشی از تفاوت کارکردی این محوطه ها که تماماً گورستانند با محوطه استقرار پیلقلعه باشد. اینگونه به نظر می رسد که این ظروف بزرگ و حجیم با کارکردی روزمره، هیچگاه به همراه مردگان در گورها قرار داده نمی شدند. (طرح ۲ و طرح رنگی ۲: شماره های ۱۸، ۱۹ و ۲۰).

۸- فنجان

این گونه به شکل ظروف کوچک با بدنه کمی محدب و لبه

زمین (6: 57: pl. 113) و مارلیک (Fukai & Matsutani, 1982: pl. 113) و مارلیک (Negahban, 1996: Fig. 28, pl. 112: 606 & pl. 113). در خارج از منطقه نیز نمونه های زیادی از این گونه کاسه های آبریزدار بدست آمده است مانند: قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: تصویر ۱۰۵)، تپه قبرستان (فاضلی و نقشینه، ۱۳۸۵: تصویر ۱۰-۴: بالا) و خورویین که نمونه های متعددی دارد ولی دو نمونه بیشترین شباهت را با آبریزهای پیلقلعه دارند (Vanden Berghe, 1964: Planche VI, 35 & Planche V, 37).

۱۲- ساغر

این گونه در پیلقلعه بسیار کم تعداد است و فقط یک نمونه از آن قابل تشخیص است. بدنه آن نسبتاً کروی است و گردنی نسبتاً بلند و بازشونده دارد که در محل اتصال گردن به بدنه ظرف یک دسته حلقه ای عمودی به چشم می خورد. این نمونه از نوع سفال خاکستری روشن است (طرح ۳ و طرح رنگی ۳: ۳۰). به طور کلی ساغرها در منطقه رودبار کم تعدادند و فقط یک نمونه به غیر از نمونه پیلقلعه از مارلیک بدست آمده است (Negahban, 1996: Fig. 23 & pl. 108: 558). اما در خارج از منطقه رودبار نمونه های متعددی از این گونه ساغرها بدست آمده است مانند: تپه قبرستان (فاضلی و نقشینه، ۱۳۸۵: تصویر ۹-۴: پایین سمت راست)، حسنلو (Young, 1965: Fig. 8: 7)، قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: تصویر ۹۹)، دینخواه III (Muscarella, 1974: Fig. 3 & 5) و (Vanden Berghe, 1964: Planche XIII, 92-102 & Planche XIV) و سیلک A (Ghirshman, 1939: pl. IV: 4 & pl. XLIII: s. 523a).

۱۳- تنگ گردن بلند

سفالهای این گونه دارای گردنی باریک و نسبتاً بلند و تقریباً استوانه ای شکل هستند و گاهی در محل اتصال گردن به بدنه یک دسته حلقه ای عمودی دارند. این گونه در پیلقلعه کم تعداد است زیرا تنها از قطعات مربوط به گردن قابل شناسایی است. این گونه ظروف نه تنها در محوطه های عصر آهن منطقه بلکه در خارج از آن نیز دیده می شوند ولی به جهت ناقص

(چپ). نمونه های قابل مقایسه در محوطه های خارج از منطقه وجود ندارد (طرح ۲ و طرح رنگی ۲: شماره های ۲۴، ۲۵ و ۲۶).

۱۰- کوزه بدون گردن

این گونه تنها از روی قطعات مربوط به لبه و دهانه ظرف قابل تشخیص است. این گونه به شکل ظروفی با دهانه نسبتاً بسته و بدون گردن هستند؛ به طوریکه بدنه ظرف به سمت دهانه بسته تر شده و بدون هیچ زاویه ای به دهانه ختم می شود و معمولاً در محل دهانه ظرف یک شیار فرورفته دورتادور لبه وجود دارد. این گونه کوزه های بدون گردن در دیگر محوطه های عصر آهن منطقه به شکل کوزه هایی با آبریز روباز هستند ولی چون در پیلقلعه به شکل کامل یافت نشده اند؛ نمی توان شکل کلی آنها را مشخص کرد ولی به احتمال زیاد باید شکل مشابهی داشته باشند (طرح ۲ و طرح رنگی ۲: شماره های ۲۷ و ۲۸). از موارد مشابه به چند نمونه از مارلیک اشاره کرد (Negahban, 1996: pl. 116: 633, Fig. 25: 572, 573 & 575) و نمونه ای مشابه از قلعه کوتی (Egami et al., 1965: pl. LII: 17). همچنین در خارج از منطقه رودبار نیز این گونه کوزه بدون گردن از قیطره بدست آمده اند (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: تصویر ۱۰۲).

۱۱- کاسه آبریزدار

از دیگر اشکال ظروف سفالین عصر آهن منطقه، کاسه های آبریزدار است که در پیلقلعه فقط فقط قطعات شکسته آنها وجود دارد که از روی قطعات آبریز قابل تشخیص بوده و به همین دلیل کم تعداد و اندک هستند. آبریز در این گونه بر روی لبه ظرف قرار دارد و برخی کوتاه تر و پهن تر و برخی بلندتر هستند (طرح ۲ و طرح رنگی ۲: شماره ۲۹). کاسه های آبریزدار از دیگر محوطه های عصر آهن منطقه نیز بدست آمده اند که البته به دلیل شکسته بودن قطعات بدست آمده از پیلقلعه و نامعلوم بودن جزئیات شکل آنها امکان مقایسه همه جانبه وجود ندارد؛ ولی با این وجود می توان در کلیات و عمدتاً برحسب آبریز به موارد زیر اشاره کرد: قلعه کوتی و لاسولکان (Egami et al., 1965: pl. LII: 18, pl. LXXXVIII: (b) 5

ظرف و در زیر کف آن طرح های ساده ای همچون به علاوه (+) یا خطوط قطری که شاید شکل ساده شده یک روزت باشند؛ ایجاد کرده اند. طرح های داغدار هرچند که کم تعدادند ولی معمولاً بر روی سفالهایی با طیف رنگی خاکستری دیده می شوند (طرح ۳ و طرح رنگی ۳: ۳۸ و ۳۹). نظیر چنین طرح های داغدار در منطقه رودبار از محوطه هایی همچون قلعه کوتی (Egami et al., 1965: pl. LXXXIX: 206)، مارلیک (Negahban, 1996: Fig. 17 & pl. 100: 495-7) و لمه زمین (Fukai & Matsutani, 1980: pl. 10: 1, pl. 11: 10 & pl. 19: 3; Fukai & Matsutani, 1982: 2: 59: 2 & pl. 57: 5) بدست آمده است. البته به کارگیری طرح های داغدار در سفال عصر آهن در خارج از منطقه رودبار نیز معمول بوده است.

شیوه تزئینی دیگر در سفال عصر آهن پیلقلعه، طرح های کنده است که البته از طرح های داغدار بسیار کم تعدادتر هستند به طوریکه تعداد آنها در کل مجموعه به ۱۰ عدد نمی رسد. طرح های کنده بسیار ساده اند ولی با این وجود می توان آنها را به دو گروه کلی تقسیم کرد. یک گروه آنهايي که به شکل هاشور متقاطع هستند و در تمامی موارد در زیر لبه کاسه ها دیده می شوند. ظرافت این نقوش کنده بیشتر از گروه دیگر است و به نظر می رسد که بعد از پخت ظرف این نقوش کنده شده و از همین رو عمق چندانی ندارند. نظیر این نوع نقوش کنده فقط در مارلیک دیده می شود که در آنجا نیز بر روی کاسه هایی کاملاً مشابه و با همان ظرافت و کیفیت ایجاد شده اند (Negahban, 1996: Fig. 26 & pl. 110: 585-6). گروه دیگر شامل طرح های جناغی یا زیگزاگی هستند که بر روی قطعات کوچکی دیده می شوند (طرح ۴ و طرح رنگی ۴: ۴۰ و ۴۱) و قابل مقایسه با تنها ظرف دارای نقش کنده از قلعه کوتی هستند (Egami et al., 1965: pl. LXII: 14). در این گروه از نقوش کنده ظرافت زیادی دیده نمی شود و آنها را قبل از خشک شدن گل سفال ایجاد کرده اند. به نظر می رسد که قطعات بدست آمده از پیلقلعه به ظروف گلدان ماندی تعلق داشته باشند که از این نظر نیز قابل مقایسه با نمونه قلعه کوتی هستند.

بودن نمونه های پیلقلعه و تشخیص آنها از روی قطعات گردن و دهانه ظرف، نمی توان مقایسه ای همه جانبه در مورد آنها انجام داد (طرح ۳ و طرح رنگی ۳: شماره ۳۱). با این حال می توان به موارد نسبتاً مشابهی در منطقه اشاره کرد مانند: لاسولکان (Egami et al., 1965: LXXXVIII: (b) 1)؛ لمه زمین (Fukai & Matsutani, 1980: pl. 10: 1; Fukai & Negahban, 1982: pl. 59: 1) و مارلیک (Matsutani, 1982: pl. 59: 1) و (Negahban, 1996: Fig. 18). نمونه های متعددی در مارلیک وجود دارد ولی اغلب از نظر جزئیات روی گردن ظرف متفاوت هستند.

علاوه بر اشکال مورد بحث در بالا، قطعات و اجزاء دیگری از برخی ظروف در پیلقلعه بدست آمده است که اشاره به گونه هایی دیگر از ظروف سفالین دارند؛ ولی به علت ناقص بودن این قطعات نمی توان شکل اصلی ظرف را تشخیص داد. در این میان لوله های استوانه ای شکل یا کمی مایل که نشانگر استفاده از ظروف لوله دار در محوطه هستند (طرح ۳ و طرح رنگی ۳: ۳۲ و ۳۳) ولی نمی توان شکل آنها را مشخص نمود. همچنین می توان به قطعاتی از صافی های سفالی اشاره کرد (طرح ۳ و طرح رنگی ۳: ۳۴) که البته شکل کامل آنها معلوم نیست. ظروف سفالی پایه دار نیز در پیلقلعه وجود داشته اند که تعدادی از پایه های شکسته و ناقص آنها در میان مجموعه مورد مطالعه دیده می شود ولی تشخیص شکل ظرف ممکن نیست (طرح ۴ و طرح رنگی ۴: شماره های ۴۲ و ۴۳).

تزئینات

سفال های عصر آهن گیلان و از جمله پیلقلعه، عمدتاً سفالی ساده و بدون تزئین اند. این ویژگی در مرحله I عصر آهن گیلان مشهودتر بوده و در پیلقلعه نیز ظروف سفالین تزئین شده بسیار نادر و کمیاب هستند. با این وجود می توان به دو شیوه تزئینی مختلف اشاره کرد. اول طرح های ساده داغدار که معمولاً به شکل هاشور متقاطع و یا نوارهای سیاه هستند. این طرح ها معمولاً بر روی کاسه های زاویه دار دیده می شوند که قسمت بالایی ظرف را در بر می گیرند (طرح ۳ و طرح رنگی ۳: ۳۵، ۳۶ و ۳۷). علاوه بر این از طرح داغدار برای تزئین کف برخی از ظروف نیز استفاده شده است به طوری که درست بیرون

برآیند

پیلقلعه یکی از مهمترین محوطه های استقراری در منطقه رودبار است که آثاری از عصر آهن تا دوره تاریخی را در بر دارد. اگرچه اطلاعات چندانی از کاوش های آن در دست نیست ولی مجموعه سفالی حاصل از کاوش ترانسه لایه نگاری M حاوی اطلاعات ارزشمندی است که در نوشتار به معرفی سفال های عصر آهن آن پرداخته شد. بر این اساس نتایج حاصل را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- از ۱۲ طبقه I تا XII که سفال آنها موجود است؛ همگی سفال عصر آهن دارند ولی به طور کلی تراکم و درصد سفال های عصر آهن در طبقات پایین بیشتر است و این وضعیت تا طبقه VIII و VII ادامه می یابد. از طرف دیگر نوع ترانسه M که از نوع پلکانی است می تواند موجب آن شده باشد که در تمامی طبقات از پایین به بالا، سفال عصر آهن در کنار سفال دوره تاریخی (اشکانی) دیده شود.

- تقریباً تمامی سفالهای عصر آهن پیلقلعه دست سازند و در ساخت آنها از چرخ سفالگری استفاده نشده است. این وضعیت از ویژگی های مهم و شاخص سفال عصر آهن در گیلان است. ویژگی دیگر این سفال عدم یکنواختی رنگ است که اغلب در سطح ظرف کم رنگ یا پررنگ و یا به رنگ های دیگر نزدیک می شود. این ویژگی می تواند ناشی از چگونگی

منابع

(الف) فارسی

فلاحیان، یوسف، ۱۳۸۲، تجلی فرهنگ عصر آهن در گورستان تاریخی جمشیدآباد گیلان، گزارشهای باستان شناسی (۲)، پژوهشکده باستان شناسی، صص ۲۳۷-۲۱۷.

کامبخش فرد، سیف الله، ۱۳۷۰، تهران سه هزار و دویست ساله، تهران، نشر فضا.

(ب) غیر فارسی

Fukai, S., & Ikeda, J., 1971, *Dilman IV, the Excavations at Ghaekuti II and I*, 1964, Tokyo.

و شرایط پخت باشد.

- گونه شناسی سفال عصر آهن پیلقلعه نشانگر ۱۳ گونه ظرف است. اکثر این ظروف از جمله ظروف شاخص عصر آهن I در منطقه رودبار گیلان هستند (Haerincq, 1988: 67-68, plates 58 & 59)؛ از همین رو استقرار عصر آهن پیلقلعه به مرحله I این عصر تغلق دارد. البته نشانه های محدودی از سفال مراحل جدیدتر عصر آهن نیز در این مجموعه دیده می شود اما تعداد آنها بسیار کم است و از جمله اشکال و نمونه های شاخص نیستند و نمی توان در این زمینه با داده های موجود اظهار نظر دقیقی انجام داد.

- بیشتر اشکال ظروف سفالین پیلقلعه در زمره اشکال خاص سفال عصر آهن در منطقه رودبار هستند که تنها در این منطقه با این شکل و خصوصیات دیده می شوند. به طور مثال کاسه های زاویه دار، کاسه های ساده، بشقاب با مرکز گود و سبوی بدنه گرد با لبه به خارج برگشته. این موضوع نشانگر وجود یک سنت محلی سفالگری در طی عصر آهن در این منطقه است. از طرف دیگر سفال پیلقلعه ارتباطات و پیوندهایی با سفال همزمان در خارج از منطقه نیز دارد. در این رابطه می توان به ظروفی مثل ساغر، کاسه های آبریزدار و فنجان اشاره کرد. بدین ترتیب سفال عصر آهن پیلقلعه اگرچه دارای ویژگی های چشمگیر محلی است اما مرتبط با سفال عصر آهن در کل مناطق شمالی کشور است.

نگهبان، عزت الله، ۱۳۶۸، ظروف فلزی مارلیک، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

_____، ۱۳۷۸، حفاری مارلیک (ج ۱)، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، پژوهشگاه.

Egami, N., Fukai, S., & Masuda, S., 1965, *Dilaman I, the Excavations of GhalehKuti and Lasulkan 1960*, Tokyo.

Fukai, S., & Matsutani, T., 1980, Preliminary Report of Survey & Soundings at Halimehjan, 1978, *Orient*, Vol. XVI, pp: 149- 180.

—————, & Matsutani, T., 1982, *Halimehjan II, the Excavation at Lameh Zamin, 1978*, Tokyo.

Ghirshman, R., 1939, *Fouilles de Sialk Pres de Kashan*, Vol. II, Paris.

Haerinck, E., 1988, the Iron Age in Guilan-Proposal for a chronology, In: *Bronzeworking Centres of Western Asia c.1000-539 B.C.*, John Curtis (ed.), London.

Muscarella, O. W., 1974, the Iron Age at Dinkha Tepe, *the Metropolitan Museum Journal*, Vol. 9, pp: 35-76.

Negahban, E. O., 1964, a Brief Report on the Excavations of Marlik Tepe and Pila Qaleh, *Iran*, Vol. II, pp: 13- 19.

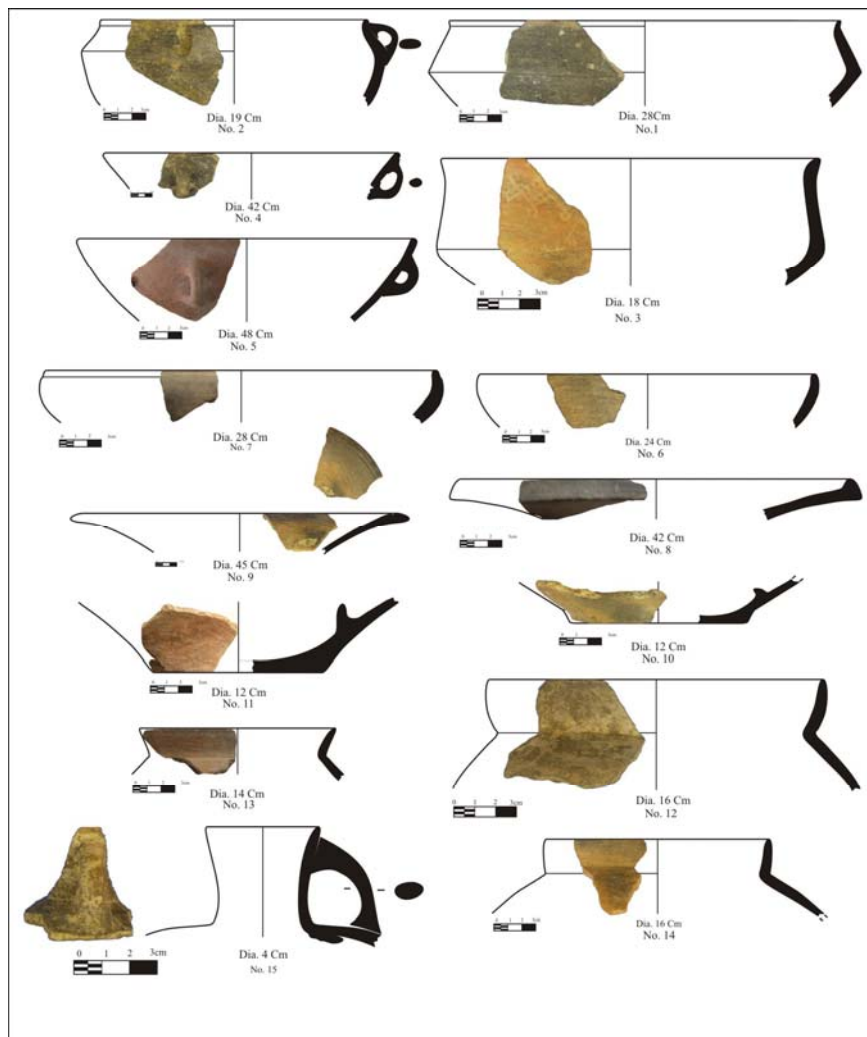
—————, 1979, Pottery and Bronze Human Figurines of Marlik, *AMI*, Band 12, pp: 157- 173.

—————, 1996, *Marlik, the Complete Excavations Report*, University Museum Monograph 87, Philadelphia, University Museum, University of Pennsylvania.

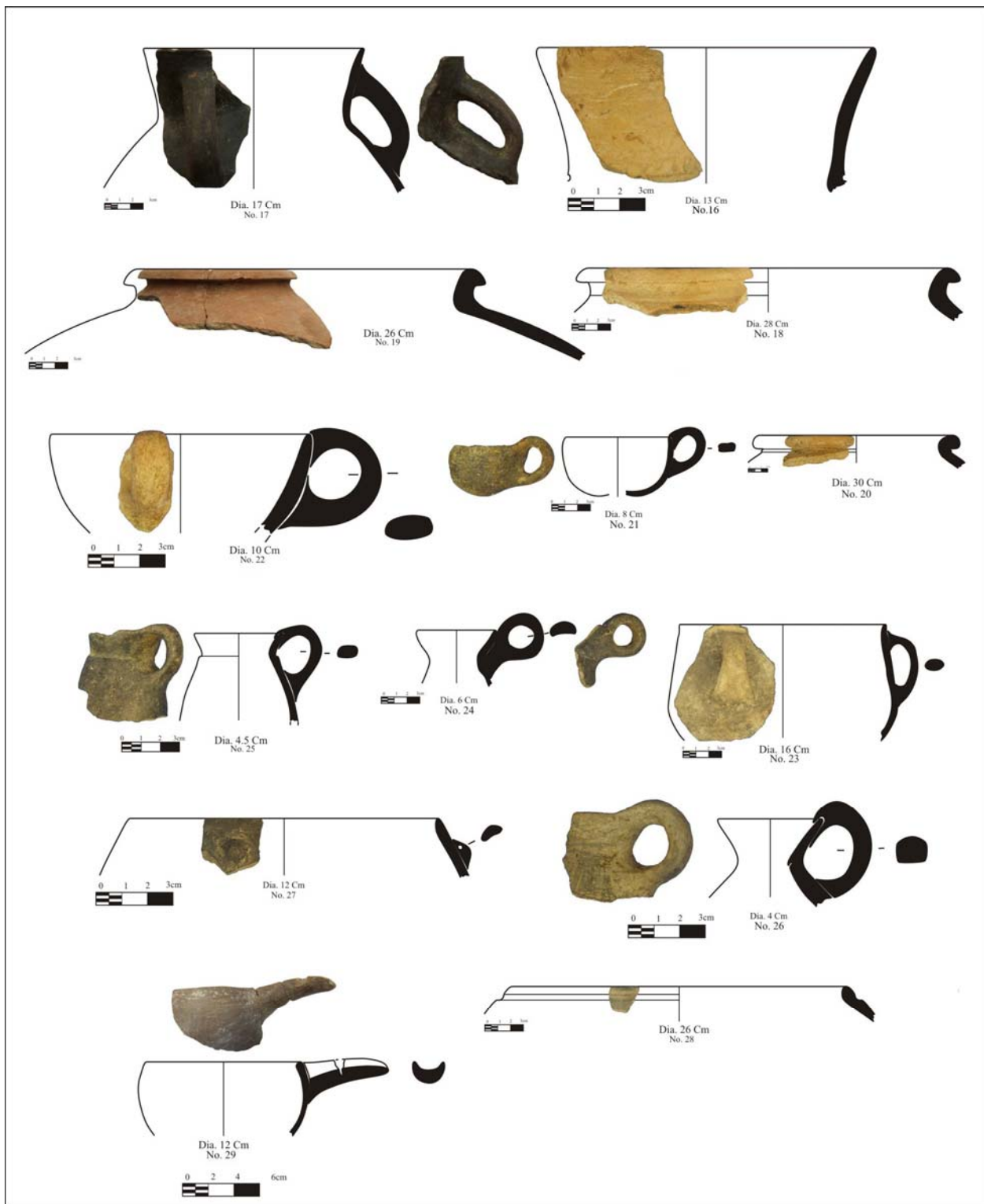
Vanden Berghe, L., 1964, *La Necropole de Khurvin*, Istanbul.

Young, T. C. Jr., 1965, a Comparative Ceramic Chronology for Western Iran 500-1500 B.C., *Iran*, Vol. III, pp: 53- 83.

طرح ها و تصاویر



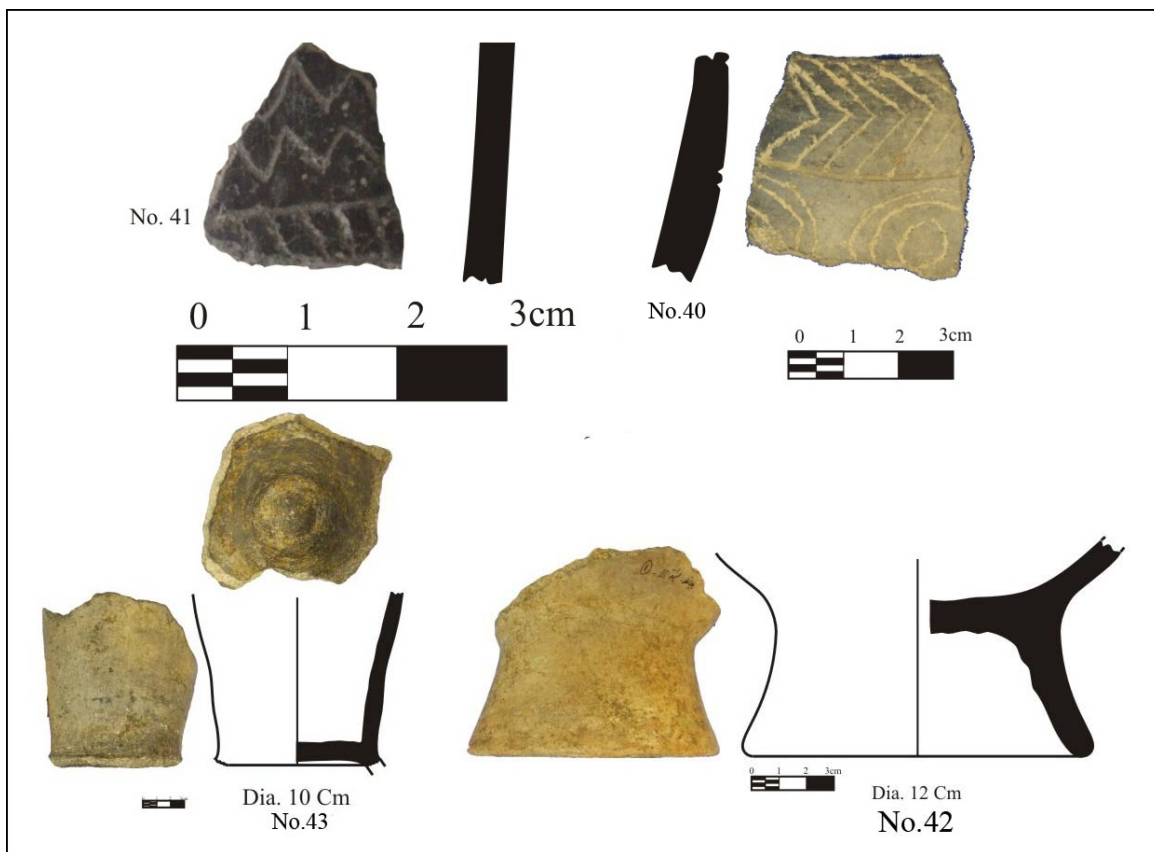
طرح ۱: سفال عصر آهن پیلقلعه.



طرح ۲: سفال عصر آهن پیلقلعه.



طرح ۳. سفال عصر آهن پیلقلعه.



طرح ۴: سفال عصر آهن پیلاقلعه.

جدول شماره ۱: ویژگیهای تکنیکی سفال های عصر آهن پیلایقلعه.

ردیف	نوع قطعه	رنگ		رنگ مغز سفال	شاموت	شبه ساخت	چگونگی سطح	پوشش	تزیین	ملاحظات
		بیرونی	درونی							
۱	لبه	2.5Y 2.5/1 black	2.5Y 4/1 dark gray	2.5Y 5/1 gray	معدنی - گیاهی	احتمالاً چرخ ساز	صیقلی	-	-	سطح داخلی سفال ترک ترک شده است
۲	لبه و دسته	7.5YR 4/1 dark gray	7.5YR 4/1 dark gray	7.5YR 5/1 gray	معدنی	دست ساز!	صیقلی	-	-	ذرات براق درون خمیره وجود دارند
۳	لبه	10 YR 5/6 red	5 YR 6/3 light reddish brown	10 YR 5/6 red	شن ریز	احتمالاً چرخ ساز	داغدار (هر دو سطح)	-	-	لوزی های چهارخانه داغدار
۴	لبه و دسته	2.5YR 2.5/1 black	2.5YR 2.5/1 black	10 YR 4/1 dark gray	معدنی - گیاهی	احتمالاً دست ساز	داغدار	-	-	-
۵	لبه و دسته	5 YR 5/4 reddish brown	5 YR 5/4 reddish brown	5 YR 6/1 gray	شن ریز و ذرات سفیدرنگ	دست ساز	پرداخت غیر صیقلی	-	-	قرمز ظریف عصر آهن
۶	لبه	10YR 5/1 gray	10YR 5/1 gray	10YR 5/1 gray	معدنی	احتمالاً دست ساز	داغدار	-	-	ذرات براق درون خمیره وجود دارند.
۷	لبه	10 YR 6/2 light brownish gray	2.5 YR 6/4 light reddish brown	2.5 YR 6/1 reddish gray	شن ریز	دست ساز	مات	-	-	قرمز ظریف عصر آهن
۸	لبه	5 YR 5/2 reddish gray	5 YR 5/2 reddish gray	5 YR 4/4 reddish brown	شن ریز و ذرات سفیدرنگ	دست ساز	مات	-	-	قرمز - خاکستری ظریف عصر آهن
۹	لبه	5YR 6/4 light reddish brown	5YR 5/3 reddish brown	5YR 5/1 gray	شن ریز	دست ساز	مات و دودزده	-	-	کنده شیری نزدیک لبه در داخل
۱۰	کف	5YR 6/4 light reddish brown	2/5YR 6/4 light reddish brown	2/5YR 5/1 reddish gray	شن ریز	دست ساز	مات	-	-	-
۱۱	کف	7.5 YR 5/4 red	5 YR 5/6 yellowish red	5 YR 6/1 gray	شن ریز و درشت	دست ساز	صیقلی کم در داخل دودزدگی در کف داخلی	-	-	قرمز دودزده عصر آهن
۱۲	لبه	7.5YR 5/1 gray	7.5YR 4/1 dark gray	7.5YR 5/1 gray	معدنی	دست ساز	-	-	-	ذرات براق درون خمیره وجود دارند
۱۳	لبه	7.5 YR 6/3 light brown	5 YR 5/3 reddish brown	5 YR 4/1 dark gray	شن ریز	دست ساز	مات	-	-	قرمز ظریف عصر آهن

	-	-	مات	دست ساز	شن ریز	2/5YR 5/6 red	2/5YR 6/4 light reddish brown	2/5YR 6/4 light reddish brown	لبه	۱۴
	-	-	مات	دست ساز	شن ریز و ذرات سفید	5YR 6/4 light reddish brown	5YR 5/1 gray	5YR 6/4 light reddish brown	لبه و دسته	۱۵
-	کنده نیشگونی روی گردن	-	پوشش دست مرطوب روی هر سطح	احتمالاً دست ساز	شن و کاه ریز	7.5YR 7/2 pinkish gray	7.5 YR 7/3 pink	7.5YR 7/3 pink	لبه و گردن	۱۶
قرمز - خاکستری ظریف عصر آهن	-	-	مات	دست ساز	شن ریز و ذرات سفید رنگ	5 YR 5/3 reddish brown	5 YR 6/3 light reddish brown	7.5 YR 4/1 dark gray	لبه و دسته	۱۷
-	-	دست مرطوب روی سطح بیرون	-	چرخ ساز!	شن ریز و گیاهی ریز	5 YR 6/4 light reddish brown	5 YR 6/4 light reddish brown	5 YR 6/4 light reddish brown	لبه و گردن	۱۸
قرمز خشن عصر آهن - سطح داخلی پوسته پوسته شده است	-	-	پوداخت بادست مرطوب	دست ساز	شن ریز	5 YR 6/3 light reddish brown	5 YR 6/3 light reddish brown	5 YR 5/4 reddish brown	لبه	۱۹
	-	-	صیقلی در دو سطح	دست ساز	شن درشت	10YR 7/1 light gray	2/5YR 6/4 light reddish brown	2/5YR 6/4 light reddish brown	لبه	۲۰
	-	-	مات	دست ساز	شن ریز و درشت	10YR 4/1 dark gray	10YR 5/1 gray	10YR 5/1 gray	لبه و دسته	۲۱
	-	-	مات	دست ساز	شن ریز	5YR 6/1 gray	5YR 6/4 light reddish brown	2/5YR 6/4 light reddish brown	لبه و دسته	۲۲
-	-	-	صیقلی	دست ساز	معدنی	7.5YR 4/1 dark gray	7.5YR 5/1 gray	7.5YR 4/1 dark gray	لبه و دسته	۲۳
-	-	-	داغدار	دست ساز	معدنی	Gley 1 4/ dark gray	Gley 1 4/ dark gray	Gley 1 3/ very dark gray	دسته	۲۴
	کنده شپاری نزدیک لبه	-	صیقلی ضعیف در خارج	دست ساز	شن ریز و ذرات سفید	10YR 5/1 gray	7/5YR 4/1 dark gray	7/5YR 4/1 dark gray	لبه و دسته	۲۵
	-	-	صیقلی داغدار	دست ساز	شن ریز و درشت	10YR 5/1 gray	10YR 6/1 gray	10YR 5/1 gray	لبه و دسته	۲۶
ذرات براق درون خمیره وجود دارند.	-	-	داغدار	احتمالاً دست ساز	معدنی	2,5 Y 5/1 gray	2,5 Y 4/1 dark gray	2,5 Y 2.5/1 black	لبه	۲۷
	کنده شپاری نزدیک لبه	-	صیقلی براق	دست ساز	شن ریز و ذرات سفید	2/5YR 4/1 dark gray	2/5YR 2.5/1 black	10YR 5/1 gray	لبه	۲۸
	-	-	صیقلی	دست ساز	کافی	7.5 YR 4/4 brown	2.5 Y 4/1 dark gray	10 YR 4/2 dark grayish brown	لبه و آبریز	۲۹
سفال خاکستری روشن خشن عصر آهن	-	-	صیقلی	دست ساز	شن ریز و درشت	10 YR 5/1 gray	10 YR 6/1 gray	10 YR 6/2 light brownish gray	لبه و دسته	۳۰

	-	-	صیقلی	دست ساز	شن وماسه	7.5 YR 5/6 strong brown	7.5 YR 5/1 gray	10 YR 5/1 gray	بدنه ودسته	۳۱
قرمز ظریف عصر آهنی	-	-	مات	دست ساز	شن ریز ودرشت	2.5 YR 6/4 light reddish brown	2.5 YR 6/4 light reddish brown	2.5 YR 6/4 light reddish brown	لوله	۳۲
قرمز ظریف عصر آهن	-	-	صیقلی	دست ساز	شن ریز	5 YR 6/1 gray	2.5 YR 5/3 reddish brown	2.5 YR 5/3 reddish brown	لوله	۳۳
سوراخ های به صورت ردیفی بر روی سفال دیده می شوند.	-	-	-	دست ساز!	شن درشت و گیاهی ریز	7.5 YR 7/4 pink	2.5 YR 6/4 light reddish brown	7.5 YR 7/4 pink	بدنه	۳۴
قرمز - خاکستری ظریف عصر آهن	داغدار هندی در خارج	-	داغدار	چرخساز؟	شن ریز و میکا	5 YR 6/1 gray	5 YR 6/4 light reddish brown	5 YR 5/1 gray	لبه	۳۵
سفال با اسلیپ اخراپی	نقش داغدار هندی در خارج	اسلیپ اخراپی در داخل و خارج تاروی لبه	صیقلی	دست ساز	شن ریز	2.5 YR 5/4 reddish brown	10 YR 5/6 red	2.5 YR 6/4 light reddish brown	لبه	۳۶
	داغدار هندی	-	صیقلی داغدار	دست ساز	شن ریز	7/5YR 5/1 gray	7/5YR 6/3 light brown	10YR 5/1 gray	لبه	۳۷
خاکستری تیره عصر آهن	داغدار هندی زیر کف	-	صیقلی ضعیف	دست	شن ریز و ذرات سفید رنگ	10 YR 5/1 gray	10 YR 5/1 gray	10 YR 5/1 gray	کف	۳۸
خاکستری تیره عصر آهن	داغدار هندی زیر کف	-	صیقلی براق	دست	شن ریز	10 YR 5/1 gray	10 YR 5/1 gray	7.5 YR 4/1 dark gray	کف و پایه	۳۹
-	کنده دایره ای و مورب	-	صیقلی	دست ساز	شن ریز	2.5 Y 4/1 dark gray	2.5 Y 2.5/1 black	2.5 Y 5/1 gray	بدنه	۴۰
خاکستری تیره عصر آهن	کنده هندی	-	صیقلی ضعیف	دست ساز	شن ریز و درشت	2.5 Y 5/1 gray	2.5 Y 5/1 gray	2.5 Y 4/1 dark gray	بدنه	۴۱
	-	-	صیقلی ضعیف	دست ساز	شن ریز و درشت	10YR 5/1 gray	10YR 6/1 gray	10YR 6/3 pale brown	کف و پایه	۴۲
	-	-	صیقلی در خارج	دست ساز	شن ریز و درشت	7/5YR 4/1 dark gray	7/5YR 4/1 dark gray	7/5YR 5/1 gray	کف	۴۳